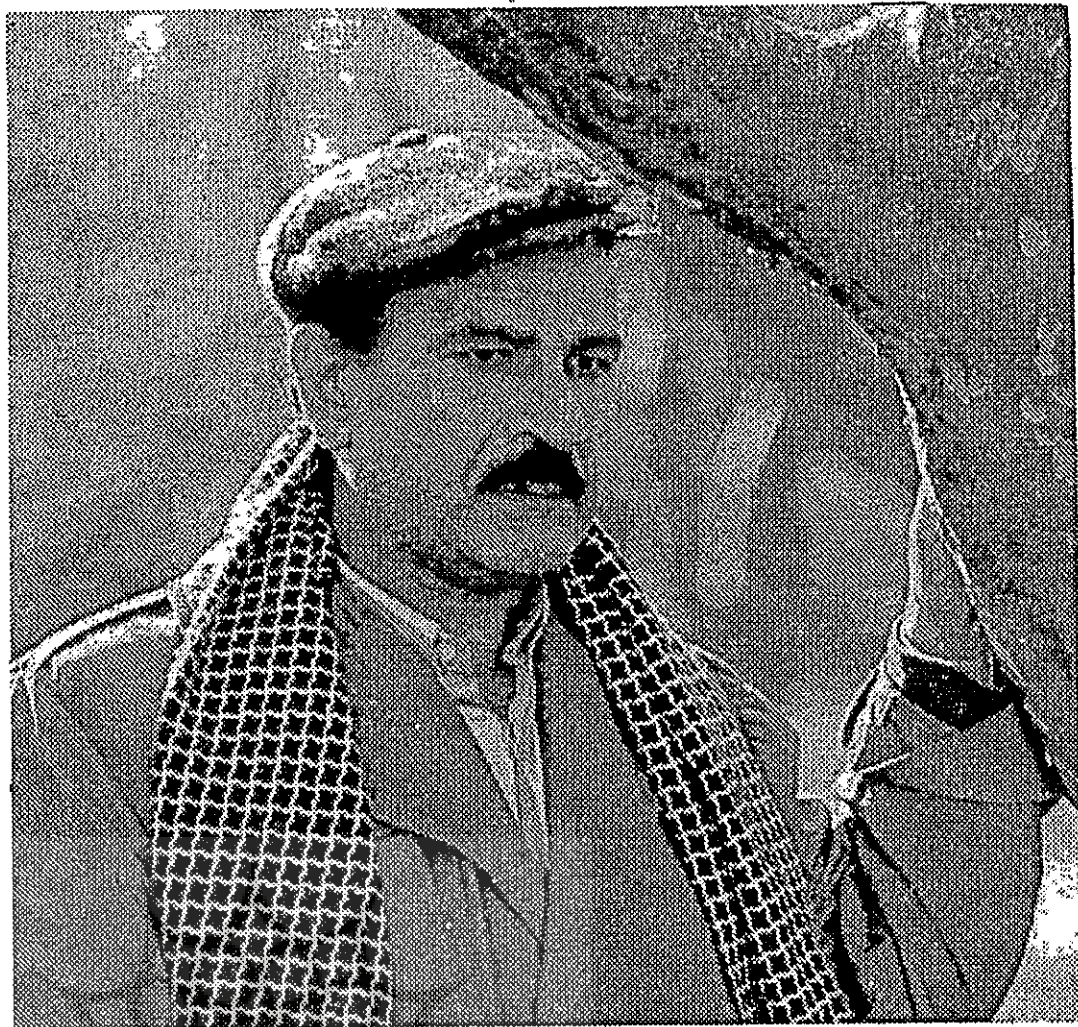


# برگردان سینمایی فیلمنامه‌ها

گفتگو با مهشید افشارزاده



سفر پرماجرا

□ بازیگران زن چگونه می‌توانند در نقش‌های کمدی و فیلم‌های کمدی حضور داشته باشند؟

■ به نظر من هیچ تفاوتی وجود ندارد. یکی بازیگر زن می‌تواند همپای بازیگر مرد در یک کار کمدی هم موفق باشد. شرط قضیه این است که فیلمنامه خراب و درست باشد، پرداخت درستی از شخصیت‌ها ارایه دهد، از نظر منطقی کلامی صحیح باشد و صحنه‌پردازی‌هایش دربیاید. آن وقت است که یک فیلم موفق کمدی ارایه می‌شود و فرقی نمی‌کند که در این فیلم یک خانم بازیگر بازی کند یا یک بازیگر مرد.

این نکته را از این جهت می‌گیریم که وظیفه بازیگر سروکار داشتن یا یک کاراکتر است. هر کاراکتری هم روان‌شناسی خاص خود را دارد بنابراین اگر فیلمساز یا فیلمنامه‌نویس بتواند آن کاراکتر خوب را ارایه دهد و داستان را خوب دربیآورد، بالطبع بازیگر هم راحت‌تر می‌تواند آن نقش را بازی کند. ما در کار فیلمسازان موفق همیشه این نکته را دیده‌ایم. بازیگران فیلم‌های این دسته همیشه بازیگران موفقی بوده‌اند. در این شرایط آنها نتوانسته‌اند یک بازی حسی و خلاق از بازیگر بگیرند و او را در فیلم خود مطرح کنند.

□ در این بین بازی در یک فیلم یا نقش کمدی، بازی ویژه‌ای را از سوی بازیگر می‌طلبد؟

■ اگر آن کاراکتر در فیلمنامه به درستی معرفی شده باشد و از شخصیت‌پردازی صحیح بهره گرفته باشد، بازیگر

■ فکر می‌کنم چنین باشد. البته ممکن است فیلمسازانی موجود باشند که با ترندهایی ویژه و یا تدوین مخصوص فیلم خود، لحظات کمدی را در فیلم‌های خود بوجود بیاورند، بدون اینکه بازیگر مجبور باشد کمدی بازی کند. □ شما کدامیک را بیشتر دارید، کمدی موقعیت یا کمدی شخصیت؟

■ هر دو را دوست دارم.

□ پس فرقی برایتان ندارد در کدامیک بازی کنید؟

■ ممکن است فرق کند. ولی در هر صورت باید ببینیم آن فیلم‌نامه بخصوص چه چیزی را می‌طلبد و می‌پذیرد.

□ سؤال را از این جهت کردم که تماشاگران شما را در تلویزیون و سینما در نقش کاراکترهایی دیده‌اند که بیشتر سمت و سوی کمدی شخصیت داشته است.

■ بله، همینطور است. اما در هر صورت من قبل از حضور در یک کار، آنرا بررسی می‌کنم. پس از آن، با ایده‌هایی که خودم دارم و یا می‌خواهم که آن نقش چنین باشد، تصمیم می‌گیرم که این‌گونه بازی کنم. برای مثال در همسران وقتی برای اولین بار قصه‌های آنرا شنیدم و فیلم‌نامه را خواندم، فکر کردم باید کاری بکنم که هموطنانم را از کوچک تا بزرگ به خنده وادارم. یک خنده سالم.

□ از کلیشه شدن در نوع خاصی از کمدی واهمه ندارید؟

■ امیدوارم چنین نشود. سعی کرده‌ام در هر کاری متفاوت عمل کنم. البته نتیجه آنرا نمی‌دانم.

□ احتمال دارد شما را در نقش‌های جدی هم ببینیم؟

■ بله. ولی بطور غریزی در همان نقش‌های جدی هم رگه‌هایی از طنز و کمدی را بوجود می‌آورم.

□ ناخودآگاه؟

■ خیر، خودآگاه. یعنی ممکن است نقش خیلی جدی باشد، ولی این جدی بودن باز جدی خشک نیست. بازی من از خشکی نقش می‌کاهد.

فردوس کاویانی: تا آن‌جا که یادم می‌آید در تئاتر در کارهای جدی حضور داشتم، اما نقش من به صورت طنز و کمدی بوده است. در این نمایش‌ها با توجه به اینکه موضوعات سنگین بوده، سعی کردم با اضافه کردن طنز و کمدی، در شکل فرهنگی‌اش و نه بصورت لودگی - کمی آنها را از جدی بودن دور کنم.

□ این کار را خودتان شخصاً انجام می‌دادید یا با همراهی و همکاری کارگردانان بود؟

■ من همیشه نقشم را ارائه می‌دهم. بعد کارگردان درباره آن نظر می‌داد. در تئاتر بیشتر خود ما بازیگران ارائه دهنده کار هستیم. بعد از آن کارگردان، بازی را اصلاح می‌کند. این اصلاح شدن نسبت به معنایی که ما از نقش و کار داریم، صورت می‌گیرد.

□ چرا به سراغ بازیگری کمدی رفته‌اید؟

■ خصلت خود من، اینگونه است. دوست دارم مردم کشورمان شاد باشند. این مسئله برای من خیلی مهم است که شادی هموطنانم را ببینم. بنابراین به طرف این کار کشیده شدم. احساس کردم اینگونه بهتر می‌توانم خدمت کنم.

□ فقط همین دلیل باعث شد به سینمای کمدی روی بیاورید؟

■ خودم هم این نوع کار را بیشتر دوست دارم. حتی در تئاتر هم سعی می‌کنم به همین صورت عمل کنم.

□ و در خودتان هم زمینه‌های این کار را می‌دیدید؟

■ بله، از دوران کودکی چنین بود. در بچگی وقتی برای جمع خانواده و فامیل نقشی را بازی می‌کردم، می‌دیدم بدون آنکه خودم خواسته باشم، آنها از کارهای من به

خنده می‌افتند. در درونم اتفاقی رخ داد که احساس کردم این نوع بازی را دوست دارم و می‌توانم آن را انجام دهم.

□ می‌خواهید بگوئید بازیگری کمدی بیشتر یک چیز غریزی است؟



می‌تواند با یک بازی معمولی و روان آن شخصیت را ارایه دهد. برای مثال در شاهین طلایی من کار خاصی نکردم،

ولی به دلیل شخصیتی که در داستان داشتم، بازی که ارایه دادم به نظر مردم خیلی جالب به نظر آمد و از این شخصیت استقبال کردند. به مجرد حضور این شخصیت روی پرده، می‌خندیدند. فکر می‌کنم این نکته به خاطر

تأثیر دیالوگ‌هایی بود که او می‌گفت، نوع کاراکتر آن نوع بازی را از جانب من می‌طلبید.

در این حالت من از فیگور خاصی استفاده نکردم. فکر می‌کنم برای بازی در یک نقش کمیدی نیازی به فیگورهای مخصوص نیست و اغراق در ارایه بازی نمی‌خواهد بعضی وقت‌ها می‌بینم که بازیگران در بازی خود اغراق می‌کنند. ولی اصلاً نتیجه کارشان کمیدی از کار در نمی‌آید. به نظر من برای ایفای یک نقش کمیدی نیازی به هیچ یک از این کارها نیست. در این حالت اگر شخصیت و نوع فیلمنامه جا داشته باشد، یک بازی معمولی هم می‌تواند یک نقش کمیدی را در بیاورد.

□ فکر می‌کنید چرا در فیلم‌های کمیدی بیشتر مواقع کاراکترهای مرد حضور کامل دارند، ولی چنین اتفاقی در مورد کاراکترهای زن رخ نمی‌دهد؟

■ خب، فکر می‌کنم مقداری این مسئله به حساسیت مسئولان ارشاد نسبت به نوع ارایه شخصیت زن روی پرده سینما باشد. شاید برخی فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان مصلحت‌اندیشی می‌کنند و به خاطر مسایلی که ممکن است به دلیل ایفای نقش کمیدی توسط خانم‌ها پیش بیاید، حساسیت به خرج می‌دهند. همین مسأله باعث می‌شود فیلمنامه‌نویسان کمتر به دنبال شخصیت کسبیک خانم‌ها می‌روند. شاید به نظر آنها می‌رسد که ارایه این نوع کاراکتر با شخصیت زن در جامعه مغایرت داشته باشد.

□ در فیلم «شاهین طلایی» برای نزدیک‌تر شدن به آن نوع شخصیت کار خاصی هم کردید؟

■ در فیلم‌های ایرانی ما کاراکترها را بیشتر به صورت یک تیپ می‌بینیم. شخصیت درونی این نوع کاراکترها را فیلمنامه‌نویس نمی‌تواند به راحتی در بیاورد. آنها این شخصیت را به صورت یک تیپ ارائه می‌دهند. برای مثال در شاهین طلایی من نقش زنی را بازی می‌کنم که از شوهر خود توقعاتی بیش از حد دارد و برای خود ایده‌آل‌هایی دارد که در زندگی به آنها نرسیده است. او همراه خود ادعاهایی دارد. من فقط توانستم روحیات آن شخصیت را درک کنم و آن را به نظر خودم خوب ارائه دهم.

□ این نقش از اول قرار بود کمیدی باشد یا اینکه در طول کار چنین وضعیتی پیدا کرد؟

■ فکر می‌کنم بازی من باعث شد که نقش یک مقداری از حالت آن زن غرغروی همیشگی که در فیلم‌ها می‌بینم در بیاید. این باعث شد نقش از حالت منفی خارج شود و تبدیل به نقشی کمیدی شود که در لحظاتی همراهی تماشاگر را با خود باعث می‌شود.

□ سینمای کمیدی ایران را سینمای موفقی می‌دانید؟

■ در چند مورد کارگردان‌ها خیره می‌توانند در این نوع سینما موفق باشند. روحیه عمومی مردم را هنگام تولید فیلم‌های کمیدی باید در نظر گرفت، مردم ما به راحتی نمی‌خندند در حالی که شاید در فرهنگ کشورهای دیگر چنین نباشد. در کشورهای دیگر شاید چیزهایی عنوان کمیدی بر خود بگیرند که اصلاً ما را نمی‌خنداند. این به دلیل تفاوت روحیه مردم ما با مردم کشورهای دیگر است. نکته مهم دیگر نوع ساخت و برگردان سینمایی فیلمنامه‌هاست. برای مثال «شریک زندگی» فیلمنامه نسبتاً خوبی داشت، فکر می‌کردم فیلم خوبی از آب دربیاید، اما فیلم به خوبی فیلمنامه نبود. طبیعی است که در چنین حالتی به کار ما بازیگران ضربه وارد می‌شود. آن فیلمنامه خیلی بد ساخته شد و متأسفانه تأثیر زیاد خوبی هم نداشت. ای کاش فیلمنامه‌های خوب به دست کارگردانان خوب بیفتد.



سفر پرماجر

## کار کمیدی را ترجیح می‌دهم

گفتگو با سیامک اطلسی

□ کار کمیدی را آسان می‌دانید یا سخت؟

■ کار کمیدی مشکلاتی دارد هر چند که کار خیلی سختی هم نیست. کار کمیدی نشأت گرفته از طنزی است که خود را بروز می‌دهد و از نتیجه آن است که یک حالت و موقعیت کمیدی به دست می‌آید. موضوع یا سوژه‌های که فیلمساز دستمایه خود قرار دهد تا حاصل کارش کمیدی از آب درآید، می‌تواند خانوادگی، اجتماعی و حتی روابط افراد باشد. این مسائل به صورت کمیدی موقعیت می‌تواند به تصویر کشیده شود.

□ در دو فیلم سینمایی که ساخته‌اید، دو نوع سینما را تجربه کرده‌اید، خودتان کدام یک را ترجیح می‌دهید، کار کمیدی یا جدی؟

■ بستگی به این دارد که داستان چگونه دستمایه من کارگردان قرار گیرد. آنچه مسلم است این است که داستان باید اجتماعی باشد و فیلمساز بتواند از عهده آنچه می‌خواهد به تصویر بکشد، برآید. به طور کلی فیلمساز باید نسبت به موضوع هر نوع فیلمی که می‌سازد آگاهی

داشته باشد و بتواند آن را در شکل تصویری‌اش پیاده کند. □ پس اصرار به ساختن فیلم کمیدی ندارید؟

■ خیر، منتها اگر موضوع خوبی به دستم برسد، کار کمیدی را ترجیح می‌دهم.

□ یک کمیدی موفق از نظر نوع برخورد تماشاچی با آن چگونه کاری باید باشد؟

■ طنز و کمیدی باید قابل لمس باشد و تماشاچی با آن بیگانه نباشد. در انتخاب پرسوناژها هم باید دقت زیادی کرد، زیرا این مسأله اهمیت زیادی دارد. این پرسوناژها باید کار طنز کرده باشند.

□ برای قابل لمس شدن یک کار کمیدی چه باید کرد و یا به عبارتی چه می‌توان کرد؟

■ آنچه مسلم است تماشاچی یک کار کمیدی، وقتی از فیلمی خوشش می‌آید و می‌خندد که یک اثر منطقی و ملموس در ارتباط با واقعیت‌های جامعه را ببیند اگر جز این باشد، خنده بر لبان تماشاچی نمی‌نشیند. باید موضوعی را انتخاب کرد که منطبق بر واقعیت‌ها باشد. اگر طنزی که یک کاراکتر ارائه می‌دهد واقعی و منطقی باشد. تماشاچی خیلی سریع آن را دریافت می‌کند.

□ از رابطه طنز و مسائل جامعه‌گفتید، آیا ما می‌توانیم همه مسائل جامعه را به زبان طنز و کمیدی بیان کنیم؟

■ در مورد همه مسایل جامعه امکان‌پذیر نیست، تا آنجا که این طنز چیزی به تماشاچی بدهد و دیدی انتقادی به بعضی مضامین اجتماعی داشته باشد. که جنبه سازندگی داشته باشد. ما می‌توانیم از زبان کمیدی برای بیان برخی از مسائل استفاده کنیم.